

درباره قانون چک بی محل

چک یک حواله فوری است که در مواد ۳۱۰ و ۳۱۱ قانون تجارت تعریف شده و بموجب ماده ۳۱۴ چک: « ذاتاً عمل تجارتي محسوب نیست » لیکن مقررات قانون تجارت از لحاظ ضمانت صادر کننده و ظهر نویسها و اعتراض و غیره مانند بروات شامل چک هم میباشد:

ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات صدور چک بی محل را در حکم کلاهبرداری تلقی کرده و برای آن مجازات غرامت و حبس قائل شده است.

آخرین قانون چکهای بی محل که فعلاً مورد عمل است مصوب بهمن ماه ۱۳۳۷

میباشد:

از مطالعه این قانون چنین برمیآید که قانونگذار دادسراها و اداره اجرای ثبت اسناد را مأمور وصول وجه چک از صادر کننده و ایصال آن بدارنده چک نموده است زیرا نوع و میزان تأمین که از وظایف خاصه و مهمترین و دقیقترین اقدام یک بازپرس میباشد در متن قانون تعیین شده . . .

تأمین باید وجه الضمان نقدی و حداقل بمیزان وجه چک موضوع شکایت باشد و بازپرس هیچگونه اختیاری برای تغییر نوع یا تخفیف میزان آن ندارد ولی اگر مقتضی بداند میتواند مبلغ وجه الضمان نقدی را بیش از وجه چک تعیین کند. و از طرف دیگر در صورت تقاضای شاکی خصوصی بازپرس بموجب ماده ۲۸ قانون باید قرار تأمین خواسته بمیزان وجه چک از اموال صادر کننده چک برفع دارنده آن صادر نماید.

دارندگان چکهای بی محل نخست با تقدیم رونوشت چکهای برگشتی بدادسرا شکایت میکنند و پس از صدور قرار تأمین جزائی (وجه الضمان نقدی بمبلغ چک) و قرار تأمین خواسته (بمیزان وجه چک) سپس بدادسرا اجرای ثبت اسناد مراجعه مینمایند و از آن طریق نیز صادر کننده را تحت فشار قرار میدهند.

این همه سختگیری نسبت بصادر کننده چک بی محل موجب شده است که یک عده (شرخر) در مقام سوء استفاده برآمده و چکهای بی محل را بقیمت های نازلی از دارندگان آنها بخرند سپس صادر کنندگان را بوسیله دادسراها و اجرای ثبت اسناد تحت فشار قرار بدهند!

نتیجه این وضع غیرعادی چنین است که اشخاص معتبر یا کسانی که برای اعتبار و شخصیت خودشان ارزش قائلند از دادن چک خودداری کنند ولی افراد کم اعتبار بدون توجه بعاقبت دهها چک بی محل صادر کنند و همه را بتعب بیندازند!

کثرت بانکهای خصوصی و عدم توجه آنها به حیثیت باز کنندگان حساب جاری و

درباره قانون چک بی محل

از آن بالاتر مسابقه‌ای که برای باز کردن حساب جاری بین این بانکها برقرار است باعث شده است که عده زیادی از این افراد کم اعتبار دارای چند حساب و دسته چک از چند بانک میباشند.

عده‌ای معتقدند که سخت گیری در مورد چک های بی محل برای جلوگیری از ر کود معاملات و حفظ حقوق طلبکاران مفید و ضروری است و ظاهراً ادعای آنها صحیح بنظر میرسد!

در حالیکه اگر درست دقت بعمل آید معلوم میگردد که معاملات مبتنی بر چکهای بی محل نوعاً از طرف خریدارانی صورت میگیرد که صرفنظر از نداشتن وجه نقد اعتبار و محل پرداخت آنها هم بعداً نداشته و نخواهد داشت و البته چنین معامله‌ای اگر صورت نگیرد بهتر است پس سختگیری در مورد چکهای بی محل برای جلوگیری از ر کود معاملات مفید نمیشد.

بعقیده من ضروری هم نیست چه اگر فروشنده را قانون امیدوار نکند و حمایت خود را بر بخش نکشد فروشنده هم چک افراد ناشناس را قبول نمیکند و فقط چکهای صادره از طرف افراد معتبر و محترم را آن هم از دست افراد معتبر و محترم قبول میکنند.

روزانه در حدود ۱۱۰ شکایت چک بی محل در شعبات چک بی محل دادسرای تهران مطرح میگردد بعلاوه تعداد قابل توجهی از این قبیل شکایات بداد گاه بخش کیفری و اداره آگاهی میشود.

مقررات شدید جزائی چکهای بی محل در حقیقت مانند اینستکه دولت با افراد غیر معین و بدون هیچگونه قید و شرطی اعتبار نامحدود داده است یگانه شرط عملی این اعتبار همان هوشیاری فروشندگان است که ممکن است گاهی از قبول چک های افراد ناشناس خودداری کنند.

بانکها برای دادن یکصد هزار ریال اعتبار چندین نکته را رعایت میکنند:

باید اعتبار گیرنده را بشناسند. ملکی از او بگرو میگیرند و سفته های او را بامضای یک مشتری معتبر میسرانند. بعلاوه مقداری بابت کارمزد و بهره از او دریافت میدارند. و بتازگی از لحاظ اقتصادی متوجه این نکته شده اند که ممکن است شخصی از چند بانک اعتبارهای متعددی دریافت دارد که جمع آنها با قدرت مالی و امکانات پرداختی او مطابقت نداشته باشد و لذا بفکر تمرکز اعتبارات بازرگانان افتاده اند!

در حالیکه هر شخص معتبر یا غیر معتبری با امضاء کردن یک برگ چک و فریفتن طرف معامله میتواند یکصد هزار ریال کالا یا وجه نقد دریافت کند و این همه دردسر و مقررات خشک بانکها را براحتی پشت سر بگذارد.

بنابر مطالبی که گذشت سختگیری در مورد چکهای بی محل در حکم انشماراسکناس اضافی و صدور چکهای تضمین شده بانکی است آن هم بدون اینکه برای پرداخت آن فکر عملی و مطمئن شده باشد. و ممکن است موجب ازدیاد جریان معاملات در بازار گردد ولی یقیناً جریانی سالم نخواهد بود و دیر یا زود منتهی بسلب اعتماد و اختلال معاملات و آشفتگی اقتصادی و احتمالاً ورشکستگی عده‌ای از بازاریها میگردد.

توقیف صادر کننده چک بی محل همیشه اوقات بحال دارنده چک مفید نیست. اگر

درباره قانون چک بی محل

مبلغ چک از چند هزار تومان تجاوز نکند افراد محترم دست و پائی میکنند و رضایت شاکی خصوصی را بدست میآورند ولی اگر مبلغ ده ها هزار تومان باشد یا صادرکننده از افراد کم اعتبار باشد آن وقت توقیف متهم هیچگونه اثری ندارد. زیرا پس از تکمیل پرونده در دادسرا و احاله آن بدادگاه جنحه صدور حکم جزائی و انقضای مدت حبس مقرر از طرف دادگاه متهم نسبت بحکم حقوقی تقاضای رسیدگی استینافی میکند و سپس تقاضای رسیدگی تمیزی مینماید و اجرای حکم حقوقی را مدتها بتعویق میاندازد. نتیجه این میشود که با چندروز زندانی شدن مبالغ هنگفتی از مال مردم را میخورد و آنها را در راهروهای عدلیه سرگردان مینماید.

شیادان و کسانی که راه ارتزاق خود را گرفتار کردن دیگران قرار داده اند و معمولاً از طرز کار دادسراها مطلع میباشند مجاری سوء استفاده از این وضع را پیدا کرده و موجبات ناراحتی افراد درستکار و خوش باور بقوانین را فراهم ساخته اند.

عدهای برای نوکر و شاگرد مغازه خود دریکی از بانکهای خصوصی حساب جاری باز میکنند و از دسته چک او باین و آن چکهای بی محل میدهند.

دریافت کنندگان این قبیل چکهای بی محل پس از طرح دعوی متوجه میگردند که طرف حساب آنها فلان تاجر معتبر یا فلان شخصیت محترم نمیشد بلکه سروکارشان با یک نوکر یا شاگرد مغازه است که چندماه حبس شدن برایش چندان مهم نیست و حتی عدهئی از این قبیل متهمین صریحاً میگویند که زندان از خانه آنها راحت تر است.

عدهای دیگر باتبانی قبلی بنام یکی از اعضای باند خود دریکی از بانکها حساب جاری باز می کنند مدتی که گذشت صاحب حساب اعلام میکند که دسته چک او گم شده ولی در حقیقت آنرا تحویل همداستان خود داده و آنها تا هر چقدری که برایشان سیر باشد چک بی محل صادر میکنند و بکسبه جزء میدهند.

اثبات اینکه صاحب حساب با دهندگان چکهای بی محل ارتباط داشته از لحاظ قضائی مشکل است و پیدا کردن کسانی که از دسته چک استفاده کرده اند اگر محال نباشد لاقلاً خیلی مشکل است.

اگر یکی از محکومین بحبس ابد بدستیاری عدهای چکهای بی محل خود را بدست مردم بدهد و پول آنها را بخورد. توقیف و محاکمه او چه سودی برای دارندگان چک بی محل میتواند داشته باشد؟

این بود مشکلاتی که معمولاً برای دارنده چکهای بی محل پیش میآید در صورتیکه ممکن است برای صادر کننده چک (یا صاحب حساب بدون اینکه چکی صادر کرده باشد) نیز اشکالاتی پیش بیاید و بدون استحقاق مورد ظلم یا تحت فشار زیادی قرار گیرد.

اگر شخصی واقعاً دسته چک خود را گم کند بعداً که این دسته چک مورد استفاده یک نفر شیاد قرار گیرد با اشکال زیادی میتواند صحت گفتار خود را ثابت کند و غالباً مجبور است زحمت نادرستکاری دیگران را بکشد.

بازرگانی که با رعایت اصول عادی تجارت معاملاتی انجام بدهد ولی بعداً بعلمی که خارج از قدرت او است نتواند وجوه چکهای خود را تأمین کند باید در مقابل مقررات

درباره قانون چك بی محل

سنگین جزائی سرتسلیم فرود آرد و بازپرس نمیتواند باو حق بدهد که دفاعاً اشکالات کار خود را بیان دارد چون قانون بی محل بودن چك را دلیل کافی برای وقوع جرم و احراز سوء نیت صادر کننده دانسته است و در حقیقت بازپرس یاد ادیاری قضاوت نمیکند بلکه نقش یک کارمند ساده اداری را ایفاء مینماید!

بعقیده بنده قانون چكهای بی محل مصوب بهمن ماه ۱۳۳۷ باید لغو گردد و مقررات ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی اکتفا شود فقط یک تبصره بآن اضافه شود که دعاوی مشمول بند ب قانون مذکور نیز در دادسراها قابل گذشت میباشد.

البته لغو قانون نباید در حق کسانی که تا این تاریخ دعوی جزائی طرح کرده اند یا چك گرفته اند و موعد آن رسیده است اثر داشته باشد و این نکته را نیز با یک تبصره میتوان مرعی داشت.

چك وعده دار

اصولاً چك نباید وعده دار باشد و این معنی در ماده ۳۱۱ قانون تجارت آمده است ولی قانونگذار بمنظور حمایت از دارنده چك در ماده ۵ قانون مصوب ۲۷ ۱۳۳۱ مقرر نموده است که: «دعوی اینکه چك وعده دار بوده مسموع نیست.»

قبل از تصویب این قانون اگر متهم ثابت میکرد که تاریخ نوشتن چك با تاریخ مقرر برای پرداخت وجه آن یکی نبوده برگ باصطلاح چك دیگر «چك» تلقی نمیگردید و مقررات جزائی بر آن بار نمیشد و در حکم یک مدرک بدهکاری عادی محسوب میگردید. حال که قانون میگوید دعوی اینکه چك وعده دار بوده مسموع نیست عده ای از دارندگان از جهت دیگر در مقام سوء استفاده برآمده و چكهای دریافتی خود را قبل از رسیدن موعد پرداخت بیانک ارائه میدهند و برگ برگشتی میگیرند و مبادرت بطرح شکایت جزائی مینمایند و نرسیدن موعد پرداخت را در ردیف «سایر اشتباهات که موجب عدم پرداخت چك گردد» قلمداد میکنند و تقاضای تعقیب صادرکننده را مینمایند در حالیکه چنین ادعائی صحیح نمیشد زیرا:

اولاً - منطوق ماده قانونی صراحت دارد دعوی اینکه چك وعده دار «بوده» مسموع نیست و این میرساند که قانونگذار ناظر بموردی است که وعده رسیده باشد ولی متهم مدعی است که نوشتن چك مدتی قبل از تاریخ مقرر برای پرداخت آن صورت گرفته است. ثانیاً - تمام دعاوی چكهای بی محل در دادسراها قابل گذشت است و دعاوی قابل گذشت باید از طرف شاکی خصوصی مطرح گردد و دارنده چك در این مورد بخصوص قبل از رسیدن موعد پرداخت از نظر حقوقی نسبت بصادرکننده چك صاحب حق قابل مطالبه نمیباشد. لذا ویاتوجه بماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری که شاکی خصوصی را معرفی کرده نمیتواند باسمت شاکی خصوصی عرض اندام کند.

ماده ۹ مزبور میگوید: «شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان میشود و به تبع ادعای دادستان مطالبه ضرر و زیان میکند مدعی خصوصی

درباره قانون چك بی محل

است و مادام که دادخواست ضرر و زیان تسلیم نکرده شاکی خصوصی
نامه‌یده میشود «

حال کسی که خود را شاکی خصوصی معرفی مینماید چگونه میتواند ثابت کند که
ضرر و زیانی با و وارد شده در صورتیکه در این قبیل موارد ظاهراً بین صادر کننده و دارنده چك
توافق شده است که دارنده در فلان تاریخ چك را ببانک ارائه دهد و صادر کننده موظف است
که در تاریخ مقرر وجه چك را در حساب خود داشته باشد.

در اینجا میتوان گفت کسی میتواند خود را شاکی خصوصی بامدعی خصوصی بنامد
که بتواند در محکمه حقوق بعنوان خواهان طرح دعوی کند. درحالیکه اگر سوعد پرداخت
دینی نرسیده باشد ولی دائن دادخواست بمحکمه حقوق بدهد دادگاه بعلت اینکه خواهان
در تاریخ تقدیم دادخواست حقی مطالبه دین را نداشته او را محکوم به بی حقی میکند.

بعقیده بنده در این قبیل موارد آقای دادستان نباید پرونده را بجزریان بیندازد و در
صورت ارجاع بازپرس باید از تعقیب دعوی خودداری کند و پرونده را با بیان حال و وضع
نزد آقای دادستان بفرستد تا ایشان دستور بایگانی پرونده را صادر نمایند.

موردی پیش آمد که شخصی با ارائه چهار قطعه چك علیه صادر کننده آنها اقامه
دعوی کرده بود و صادر کننده با ابراز یک ورقه مفاصا نامه اظهار نموده بود که پول چکها را
بشاکی داده است و در متن ورقه ابرازی شماره و مشخصات چکها قید شده بود.

شاکی پرونده چك بعنوان شروع بکلاهبرداری تحت تعقیب قرار گرفت و قرار مجرمیت
او ضمن قرار منع تعقیب صادر کننده چكها صادر شد. آقای دادیار با قرار مجرمیت دارنده
چکها موافقت کرد ولی با قرار منع تعقیب صادر کننده مخالفت نمود و لذا پرونده برای حل
اختلاف بدادگاه استان ارسال شد. متأسفانه دادگاه استان بدون توجه باستدلال بازپرس نظر
آقای دادیار مبنی بر بزهکاری صادر کننده چكها را تأیید نموده استدلال آقای دادیار و دادگاه
استان چنین بود که صرف صدور چك بی محل جرم است درحالیکه حتی با قبول این معنی در
مورد این قضیه شخصی که شکایت را طرح کرده بودن نمیتوان نسبت سمت شاکی خصوصی رداشته
باشد زیرا متضرر نشده بوده و لذا تعقیب صادر کننده چکها خالی از اشکال نیست.

چكهای ۱۲۰۰ تومانی

این مسئله در دادسرای تهران حل شده تلقی میگردد که چکهای ۱۲۰۰ تومانی
یا چکهای که تفاوت موجودی و وجه چك برگشتی ۱۲۰۰ تومان میباشد در صورتیکه اظهار نامه
برای صادر کننده آن فرستاده نشده باشد باید در دادگاه بخش کیفری رسیدگی شود ولی
شنیده‌ام که در بعضی از دادگستریها چنین نظر داده‌اند که رسیدگی بکلیه دعاوی چکهای
بی محل باید در دادسرا صورت بگیرد.

مجازات صادر کننده چك بی محل بھر تقدیر طبق ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات
صورت میگیرد و بند الف ماده مزبور ناظر بموردی است که برای صادر کننده چك بی محل

درباره قانون چك بی محل

اظهارنامه فرستاده نشده و مجازات مقرر در این بند جزای نقدی بمیزان عشر وجه چك در صورت نبودن موجودی است و در صورت کسر موجودی بمیزان عشر مابه التفاوت موجودی و وجه چك برگشتی میباشد.

ماده ۲۰۸ قانون آئین دادرسی کیفری که در تاریخ ۱۳۱۵ (بعد از تصویب اصل قانون) اصلاح شده است مقرر میدارد رسیدگی به جنحه‌هائی که مجازات آن بیش از یکهزار و دویست ریال جزای نقدی نباشد در صلاحیت دادگاه بخش کیفری است.

بنابراین در صورتیکه چکی بمبلغ یکهزار و دویست تومان باشد و شاکی برای صادرکننده آن اظهارنامه فرستاده باشد چون مجازات صادرکننده برفرض نداشتن موجودی (یا کسر موجودی تا میزان یکهزار و دویست تومان در صورتیکه چك بیش از یکهزار و دویست تومان باشد) منحصرأ جزای نقدی بمیزان یکهزار و دویست ریال است لذا رسیدگی باین دعوا در صلاحیت دادگاه بخش کیفری است.

عده‌ای از آقایان قضات محترم استدلال میکنند که تثبیت صلاحیت دادگاه بخش کیفری برای رسیدگی باین دعاوی دلیل نفی صلاحیت از دادسرا نمیشود. درحالیکه اگر این استدلال پذیرفته باشد پس باید بگوئیم که دادسرا میتواند جنحه‌های کوچک و جنحه‌های بزرگی را که مجازاتشان تا دو ماه حبس تأدیبی است نیز تحت تعقیب قرار دهد و چنین مطلبی قطعاً مورد قبول هیچیک از آقایان قضات محترم نمیباشد زیرا موجب تداخل صلاحیت دادسرا و دادگاه بخش و باعث بی‌نظمی میگردد.

* * *

این بودنکاتی که در اثنای رسیدگی پرونده‌های چکهای بی‌محل در بازپرسی تهران بنظر اینجانب رسیده است. عرضه داشتن این نکات اگر محرك و مشوق دیگران شود که آنان هم ملاحظات و نظریات خود را بیان دارند یقیناً منشاء اثر خواهد بود.